

انجمنِ شاعرانِ مُرده

ش. ۵۰. کلاین بام

تدوین

حمید خادمی



کتاب پنجره

سرشناسه:

کلاین بام، ان. اچ.

Kleinbaum, N. H

عنوان و نام پدیدآور: انجمن شاعران مرده/ نوشته ن. ه. کلاین بام، جمعه حمیدخادمی

مشخصات نشر:

تهران: کتاب پنجره، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری:

۲۰۷

شابک:

978-964-7822-80-0

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبا

یادداشت:

عنوان اصلی: Dead Poets Society

یادداشت:

کتاب حاضر براساس فیلمنامه‌ای از تام شولمن است.

یادداشت:

چاپ قبلی: تهران: دفتر نشر معانی: کتاب پنجره، ۱۳۷۹

موضوع:

داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م

شناسه افزوده:

خادمی، حمید، ۱۳۴۰ -، مترجم

شناسه افزوده:

شولمن، تام

شناسه افزوده:

Schulman, Tom

رده‌بندی کنگره:

PS۳۵۶۶/ J۲ ۸ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی:

۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی:

۳۹۳۳۴۷۵



انتشارات
کتاب پنجره



تهران - خیابان سهروردی شمالی - میدان شهید قندی - شماره ۱۹ - تلفن ۸۸۵۱۱۰۶۰



[telegram.me/Ketabepanjereh](https://t.me/Ketabepanjereh)



www.instagram.com/ketabepanjereh

انجمن شاعران مرده

نوشته: ن. ه. کلاین بام، بر اساس فیلمنامه‌ای از تام شوولس

ترجمه: حمید خادمی

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶

لیتوگرافی: موج

طرح روی جلد: محمد یراقچی

چاپ و صحافی: ایده آل

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۲-۸۰-۰

ISBN: 978-964-7822-80-0

بها: ۲۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

یادداشت مترجم:

مهلتی بایست تا خون شیر شد	مدتی این مثنوی تأخیر شد
خون نگرده شیر شیرین؛ خوش شنو...	تا نرساید بخت تو فرزند نو
وای بیداری که با نادان نشست	خواب بیداری است چون با دانش است
بلبلان پنهان شدند و تن زدند	حونکر زاعان خیمه بر بهمن زدند

نخستین ترجمه این کتاب حدود هشت سال پیش منتشر شد و به رغم پخش نامناسب آن در مدت نسبتاً کوتاهی نایاب گردید؛ اما امکان چاپ بعدی آن تا این زمان فراهم نیامد. آن هنگام که سخت تحت تأثیر فیلم Dead Poets Society ساخته پیر ویر قرار گرفته بودم، از دوستی خواستم که فیلمنامه - یا احیاناً رمان - آن را از زبان فارسی برایم تهیه کند... کتاب را خواندم؛ به همان زیبایی بود و موسسه ترجمه‌اش تمام وجودم را فراگرفت.

موضوع را با ناشری در میان گذاشتم و او نیز استقبال کرد اما از آنجا که بر انتشار هرچه سریع‌تر آن تأکید ورزید، و حجم کلّی من مانع از این تسریع می‌شد، ناشر همکاری مترجم دیگری - سرکار شانه ماهرخ دبیری - را پیشنهاد کرد. قرار شد که ترجمه اشعار کتاب را حدّشراً و تماماً انجام دهم و کلّ متن را نیز بازبینی، مقابله و ویرایش کنم. حاصل ترجمه با آنکه ایشان از هیچ لطفی فروگذار نکردند، شاید به خاطر همان تعجیل بیش از حد، چنان نشد که انتظارش را داشتم. دست آخر ناگزیر شدیم که در مدت کوتاه باقی‌مانده (حدود پانزده روز بر طبق زمان‌بندی) کتاب را با

کمک صمیمانه دو تن از دوستان - آقایان سعید انصاری و بهرام قاسمی
نژاد - همزمان با حروفچینی آن در پشت میز کامپیوتر ترجمه کنیم.
از چنین ترجمه شتابزده‌ای به هر حال نمی‌توانستم آن‌گونه که درخور نام
«انجمن شاعران مرده» بود، راضی باشم. حتی اشتباه‌های موسوم به «تایپی»
نیز کمی بیشتر از حد مجاز بود! خلاصه کلام آنکه در این مدت همواره
سودای ترجمه دوباره را در سر داشتم؛ که پس از هشت سال سرانجام
آن‌کاران پیر گردید. حال هم نمی‌توانم مدعی باشم که ترجمه حاضر عاری
از هرگونه لغزش و کاستی است ولی این را مدعی هستم که زیبایی کتاب
می‌تواند آن‌ها را جبران کند.

این زیبایی را همان آغاز با انتخاب نام‌ها و فضاها رخ می‌نماید؛ و پیش‌تر
از همه، نام ربای کتاب که برگرفته از شعری سروده جان کیس شاعر
رمانتیک انگلیسی است. در آن، شاعر این پرسش را مطرح می‌کند که: آیا
شاعران مرده در بهشت جای دارند؟ - در جایی بهتر از زمینی که انسان در آن زندگی
می‌کند؟

نام معلم جدید ادبیات، کیتینگ نیز آشکارا برگرفته از نام همین شاعر
است. جالب آنکه وی جایگزین معلم پیشین ما نام آقای پورتیوس
می‌شود. تضاد میان این دو نام، در واقع تضادی است میان کلاسیسیسم و
رمانتیسیسم؛ و نیز تضاد میان مقررات و احساسات، میان جبار و اختیار،
میان خود و قراخود

“بیایید یاران من،

برای جست و جوی دنیایی تازه، دیر نیست...”

و معلم به شاگردان خود می‌آموزد که در این راه:

“از خلاف آمله عادت بطلب کام، که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم”

حمید خادمی

نوروز ۱۳۷۹، تهران